

۱- خودشناسی مبتنی بر اصل توحید در مقابل خود بینی:

پیام‌های آیه ۱۰۵ مائده

- ۱- در راه حق، از تنهایی نترسیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ»
- ۲- اگر حریف دیگران نمی‌شویم، حریف نفس خود باشیم. عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ...
- ۳- انحراف جامعه، مجوز گناه کردن افراد نیست. عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ ...
- ۴- در قیامت، هر کس مسئول کار خویش است. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
- ۵- در پی کشف و افشای عیوب دیگران نباشیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
- ۶- اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقائد باطل آنان مؤاخذه نخواهند شد. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»
- ۷- در راه نجات دیگران، خودتان غرق نشوید. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ»
- ۸- چنان باید تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد. «لَا يَضُرُّكُمْ»
- ۹- روحیه‌ی خود را به خاطر انحراف دیگران از دست ندهیم. «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ»
- ۱۰- گرچه منحرفان در کمین هستند، اما راه مصونیت یافتن، هدایت پذیری است. «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ». (تفسیر نور، ج ۲، ص: ۳۸۵)

۲- اخلاق مبتنی بر مشاوره دینی در مقابل مجادله:

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری! و بزودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند، که کدام یک از شما دیوانه اید! پروردگارت بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت‌یافتگان را نیز بهتر می‌شناسد! (قلم ۷-۴)

اخلاق در اسلام

در میان صفات و ویژگی‌های پیامبر، قرآن بر اخلاق آن حضرت تکیه کرده و آن را «خلق عظیم» خوانده است. به همین مناسبت، سخنان برخی از پیشوایان دینی در این زمینه را از کتاب میزان الحکمه، باب خلق نقل و ترجمه می‌کنیم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «رَبِّ عَزِيزِ اِذْ لَهْ خَلْقَه وَ ذَلِیلِ اعْزَه خَلْقَه» چه بسیارند عزیزانی که به خاطر بداخلاقی ذلیل می‌شوند و ذلیلانی که به خاطر حُسن خلق عزیز می‌شوند.

امام حسن علیه السلام فرمود: «حُسْنُ الْخَلْقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ» خوش اخلاقی سرآمد هر کار نیک است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «أَمَّا تَفْسِيرُ حَسَنِ الْخَلْقِ أَنْ أَصَابَ الدُّنْيَا يَرْضَى وَ أَنْ لَمْ يَصِبْ لَمْ يَسْخَطْ» حسن خلق به این است که اگر کامیاب شدی راضی باشی و اگر نشدی عصبانی نشوی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ يَبْلُغُ بِحَسَنِ خَلْقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ» انسان در اثر حسن خلق به درجه نمازگزاران روزه دار می‌رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود: مکارم اخلاق ده چیز است: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت، جوانمردی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ مَكَارَمِ الْاِخْلَاقِ، أَنْ تَصِلَ مِنْ قَطْعِكَ وَ تَعْطَى مِنْ حَرْمِكَ وَ تَعْفُوا مِنْ ظَلْمِكَ» از مکارم اخلاق آن است که هر کس با تو قطع رابطه کرد، تو با او رابطه برقرار کنی و اگر تو را محروم کرد، تو به او عطا کنی و اگر به تو ظلم نمود، او را عفو نمایی.

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْخَلْقُ الْحَسَنُ يَمِيتُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَمِيتُ الشَّمْسُ الْخَبِيثَ» اخلاق نیکو سبب نابودی گناهان است همانگونه که خورشید خباثت‌ها را می‌میراند.

همچنین فرمود: «حسن الخلق يثبت المودة» اخلاق نیکو علاقه ها را محکم و استوار می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «خلصتان لا يجتمعان في المؤمن، البخل و سوء الخلق» در افراد باایمان بخل و بداخلاقی جمع نمی شود.

به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شد: فلان زن، اهل عبادت ولی بداخلاقی است و همسایه اش را با زبان می رنجاند. حضرت فرمود: «لا خير فيها هي من اهل النار» او اهل دوزخ است. در روایات آمده است، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سعدبن معاذ را دفن کرد. فرمود: به خاطر بداخلاقی او در منزل، فشار قبری بر او وارد شد.

خُلُق عَظِيم

کلمه خُلُق به صفاتی گفته می شود که با سرشت و خوی انسان عجین شده باشد و به رفتارهای موسمی و موقت گفته نمی شود. تفسیرهای مختلفی درباره «خلق عظیم» شده است، از جمله:

(الف) عایشه گوید: اخلاق پیامبر، متضمن ۱۰ آیه اول سوره مؤمنون است و بالاتر از این مدح، مدحی نیست.

(ب) مراد، تخلُّق به اخلاق اسلام و طبع بزرگ است.

(ج) مراد، صبر بر حق و تدبیر امور بر اقتضای عقل است.

(د) برخی از کتب لغت، خلق را به معنای دین و آئین گرفته اند، چنان که در حدیثی از امام باقرعلیه السلام می خوانیم که آن حضرت فرمود: مراد از خلق عظیم آئین اسلام است. (تفسیر نورالثقلین)

(ه) مراد، برخورد بزرگوارانه با مخالفان است. چنان که خداوند او را به این شیوه، مامور ساخته بود: «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» (اعراف، ۱۹۹)

(و) مراد، مکارم اخلاق است. چنانکه از آن حضرت روایت شده که فرمود: «انما بُعثت لائم مكارم الاخلاق» و فرمود: «ادبني ربي فاحسن تاديبی» پروردگارم مرا تربیت نمود و چه خوب تربیت نمود. (تفسیر مجمع البیان)

(ز) عایشه درباره اخلاق پیامبر گفت: «كان خلقه القرآن» اخلاق پیامبر، تجسم قرآن بود. (سنن النبی، علامه طباطبایی، ص ۵۶)

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان (ج ۶، ص ۱۸۳)، حدود ۲۷ صفحه در زمینه اخلاق و سنن و آداب زندگی پیامبر صلی الله علیه وآله روایاتی را نقل کرده است، که به برخی از آنها فهرست وار اشاره می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خود کفش خود را می دوخت.

۲. لباس خود را وصله می زد.

۳. گوسفند را خودش می دوشید.

۴. با بردگان، هم غذا می شد.

۵. بر زمین می نشست.

۶. بر الاغ سوار می شد.

۷. حیا مانعش نمی شد که نیازهای خود را از بازار تهیه کند.

۸. به توانگران و فقرا دست می داد و دست خود را نمی کشید تا طرف دست خود را بکشد.

۹. به هرکس می رسید، چه بزرگ و چه کوچک، سلام می کرد.

۱۰. اگر چیزی تعارفش می کردند، آنرا تحقیر نمی کرد، اگرچه یک خرما پوسیده بود.

۱۱. کم خرج، کریم الطبع و خوش معاشرت بود.

۱۲. بدون اینکه قهقهه کند، همیشه تبسمی بر لب داشت.

۱۳. بدون اینکه چهره درهم کشیده باشد، همیشه اندوهگین به نظر می رسید.

۱۴. بدون اینکه از خود ذلتی نشان دهد، همواره متواضع بود.
۱۵. بدون اینکه اسراف ورزد، سخیّ بود.
۱۶. بسیار دل نازک و مهربان بود.
۱۷. هرگز دست طمع بسوی چیزی دراز نکرد.
۱۸. هنگام بیرون رفتن از خانه، خود را در آینه می دید، موی خود را شانه می زد و چه بسا این کار را در برابر آب انجام می داد.
۱۹. هیچ گاه در مقابل دیگران پای خود را دراز نمی کرد.
۲۰. همواره بین دو کار، دشوارتر آن را انتخاب می کرد.
۲۱. هیچ وقت به خاطر ظلمی که به او می شد در صدد انتقام بر نمی آمد مگر آنکه محارم خدا هتک شود که به خاطر هتک حرمت خشم می کرد.
۲۲. هیچ وقت در حال تکیه کردن غذا میل نکرد.
۲۳. هیچ وقت شخصی از او چیزی درخواست نکرد که جواب (نه) بشنود و حاجت حاجتمندان را رد نکرد.
۲۴. نمازش در عین تمامیت، سبک و خطبه اش کوتاه بود.
۲۵. مردم، آن حضرت را به بوی خوشی که از او به مشام می رسید، می شناختند.
۲۶. وقتی در خانه مهمان داشت، اول کسی بود که شروع به غذا می کرد و آخرین کسی بود که از غذا دست می کشید تا مهمانان راحت غذا بخورند.
۲۷. بر سر سفره، همیشه از غذای جلوی خود میل می کرد.
۲۸. آب را با سه نفس می آشامید.
۲۹. جز با دست راست چیزی نمی داد و نمی گرفت و غذا نمی خورد.
۳۰. وقتی دعا می کرد، سه بار دعا می کرد و وقتی سخن می گفت در کلام خود تکرار نداشت.
۳۱. اگر اذن دخول به خانه مردم می گرفت، سه بار تکرار می کرد.
۳۲. کلامش روشن بود به طوری که هر شنونده ای آنرا می فهمید.
۳۳. نگاه خود را بین افرادی که در محضرش بودند تقسیم می کرد.
۳۴. هر گاه با مردم سخن می گفت، در حرف زدن تبسم می کرد.

پیام های آیات اول سوره قلم برگرفته از تفسیر نور:

- ۱- سوگند به قلم به جای سوگند به بیان، تشویق سوادآموزی و مقام دانش پژوهی است. (مبارزه با بیسوادی و ترغیب به نوشتن و خواندن از برنامه های اولویّت دار اسلام است.) (والقلم و ما یسطرون)
- ۲- عصمت و مصونیت پیامبر در سایه لطف الهی است. «ما انت بنعمه ربّک بمجنون»
- ۳- آنچه در برابر فشار تهمت، انسان را پایدار می کند توجه به لطف و پاداش الهی است. «انّ لک لاجراً غیر ممنون»
- ۴- اگر از پاداش مردم چشم پوشی کنیم، به پاداش های پایدار الهی می رسیم. «لاجرّاً غیر ممنون»
- ۵- پاداش ابدی برای کسی است که خُلق او عظیم باشد. «لاجرّاً غیر ممنون... لعلی خلق عظیم»
- ۶- تسلّط بر اخلاق عظیم، مقارن تسلط بر راه مستقیم است. «انّک لعلی خلق عظیم» (و در جای دیگر می فرماید: «انّک لمن المرسلین علی صراط مستقیم» (یس، ۳ - ۴))
- ۷- کمالات پیامبر با او عجین است، و او بر آنها تسلط دارد. «لعلی خلق عظیم»
- ۸- دفاع از شخصیت های مذهبی که مورد تهمت و تحقیر قرار می گیرند، لازم است. «ما انت بنعمه ربّک بمجنون - انّک لعلی خلق عظیم»

و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد! (کهف ۵۴)

ادْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ» (ای پیامبر!) بدی را به بهترین روش دفع کن. (در مقام انتقام و مقابله به مثل مباش) ما به آنچه مخالفان توصیف می‌کنند آگاه‌تریم. (می‌دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می‌کنند!) « (مؤمنون ۹۶)

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحت تربیت خداوند و مأمور برخورد به بهترین شیوه با بدی‌های دشمنان است. «ادْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ»
- ۲- بدی را می‌توان با بدی پاسخ داد ولی این، برای رهبر شایسته نیست. «ادْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ»
- ۳- ایمان ما به علم خداوند، عامل صبر و حلم در ماست. «نَحْنُ أَعْلَمُ» (تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۲۷)

۳- تکریم مبتنی بر صداقت در مقابل توهین با سلطه:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا «اسراء ۷۰» و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

نکته‌ها: کرامت، گاهی کرامت معنوی و اکتسابی و نزد خداست، مثل کرامتی که خاص اهل تقواست. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و گاهی کرامت در آفرینش است، نظیر «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» که در خلقت انسان آمده است. مراد از «كَرَمْنَا» در این آیه، احتمالاً وجه دوم باشد. کرامت انسان هم در خلقت و هوش و عقل و استعداد است، و هم در دارا بودن قانون آسمانی و رهبری معصوم، و مسجود فرشتگان واقع شدن. انسان برتر از فرشته است، زیرا:

الف: انسان، مسجود فرشتگان است.

ب: فرشته، عقل محض است و شهوت ندارد و از این رو کمالش به ارزش کمال انسان نیست. هر که عقلش را بر شهوتش غلبه دهد، برتر از فرشته است.

ج: در شب معراج، جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: تو امام باش تا به تو اقتدا کنم، زیرا خداوند شما را بر ما برتری داده است.

با آنکه خداوند بشر را بر همه‌ی موجودات، حتی فرشتگان برتری داد، «فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا» ولی سوء انتخاب و عمل ناپسند انسان او را به پست‌ترین درجه «أَسْفَلَ سَافِلِينَ» و به مرتبه‌ی حیوانات و پست‌تر از آن پایین می‌آورد. «كَمَثَلِ الْجِمَارِ»، «كَمَثَلِ الْكَلْبِ»، «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»، «كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ...» در آیه، برای انسان هم کرامت مطرح است، هم فضیلت. «كَرَمْنَا فَضَلْنَا» شاید تفاوت این دو، عبارت باشد از:

الف: کرامت، امتیازی است که در دیگران نیست، اما فضیلت، امتیازی است که در دیگران نیز هست.

ب: کرامت اشاره به نعمت‌های خدادادی در وجود انسان است، بدون تلاش. ولی فضیلت اشاره به نعمت‌هایی است که با تلاش خود انسان همراه با توفیق الهی بدست آمده است.

ج: کرامت مربوط به نعمت‌های مادی است، ولی فضیلت مربوط به نعمت‌های معنوی است. سفر یکی از لوازم زندگی بشر، برای رفع نیازها و کسب تجربه‌هاست، که خداوند اسباب آن را در خشکی و دریا، در اختیار بشر قرار داده و آن را به عنوان یکی از نعمت‌های خود برشمرده است. (تفسیر نور ج ۵ ص ۹۳-۹۴)

۴- مشارطه مبتنی بر دانش و اطلاعات در مقابل پیشداوری

دنبال چیزی را که بدان علم نداری مگیر که گوش و چشم و دل در باره همه اینها روزی مورد بازخواست قرار خواهی گرفت. (اسراء ۳۶)

در طول تاریخ، بسیاری از فتنه‌ها و نزاع‌ها، از قضاوت‌های عجولانه یا حرف‌های بی‌مدرک و نظریه‌های بدون تحقیق و علم، بروز کرده است. عمل به این آیه، فرد و جامعه را در برابر بسیاری از فریب‌ها و خطاها بیمه می‌کند. چرا که خوش‌بینی بیجا، زودباوری و شایعه‌پذیری، جامعه را دستخوش ذلت و تسلیم دشمن می‌کند.

تقلید کورکورانه، پیروی از عادات و خیالات، تبعیت از نیاکان، باور کردن پیشگویی‌ها، خواب‌ها، حدس‌ها و گمان‌ها، قضاوت بدون علم، گواهی دادن بدون علم، موضعگیری، ستایش یا انتقاد بدون علم، تفسیر و تحلیل و نوشتن و فتوا دادن بدون علم، نقل‌شونده‌های بی‌اساس و شایعات، نسبت دادن چیزی به خدا و دین بدون علم، تصمیم در شرایط هیجانی و بحرانی و بدون دلیل و برهان، تکیه به سوگندها و اشک‌های دروغین دیگران، همه‌ی اینها مصداق «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» بوده و ممنوع است.

به مقتضای روایات متواتر و معتبر، پیروی از اصول قطعی شرعی (مانند فتوای مجتهد، یا علمی که به اطمینان‌های نزدیک به یقین اطلاق می‌شود) پیروی از علم است. همچنان که مردم از نسخه‌ی پزشک متخصص و دلسوز، علم پیدا می‌کنند، از فتوای مجتهد جامع‌الشرایط و متقی نیز علم به حکم خدا پیدا می‌کنند. بنابراین این مرحله از علم کافی است، هر چند علم درجاتی دارد و مراحل عمیق‌تر آن مانند: علم الیقین، حق الیقین و عین الیقین می‌باشد.

امامان معصوم علیهم السلام، اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربانِ دل و گوش خود باشید. و در این امر، به این آیه «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» استناد می‌کردند. (تفسیر نور، ج ۵، ص: ۶۰) چنانکه امام صادق علیه السلام برای متنبه کردن شخصی که هنگام رفتن به دستشویی، توقف خود را در آنجا طول می‌داد تا صدای ساز و آواز همسایه را بشنود، این آیه را تلاوت کرد و فرمود:

گوش از شنیده‌ها، چشم از دیده‌ها و دل از خاطرات مؤاخذه می‌شود. امام سجاد علیه السلام نیز فرمود: انسان حق ندارد هرچه می‌خواهد بگوید.^۱

پیام‌ها:

- ۱- زندگی باید براساس علم و اطلاعات صحیح و منطقی و بصیرت باشد. «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»
- ۲- بازار شایعات را داغ نکنیم و با نقل شنیده‌های بی‌اساس، آبرو و حقوق افراد را از بین نبریم. لَا تَقْفُ ...
- ۳- قرآن بساط ساحران، کاهنان و پیش‌گویان را که مردم ساده‌لوح را دور خود جمع می‌کنند، بر هم می‌زند. «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»
- ۴- راه شناخت، تنها حس نیست، دل نیز یکی از راههای شناخت است. «السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ»
- ۵- در قیامت، از باطن و نیات هم بازخواست می‌شود. «الْفُؤَادَ»
- ۶- ایمان به قیامت و حسابرسی خداوند، عامل پیدایش تقواست. «كُلُّ أَوْلِيكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا»
- ۷- بهره‌برداری صحیح نکردن از جسم و امکانات، مؤاخذه خواهد داشت. «كُلُّ أَوْلِيكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا» (تفسیر نور، ج ۵، ص: ۶۱)

۵- خدانشناسی مبتنی بر عدل الهی در مقابل خودخواهی:

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است! (فاطر ۱۵)

آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (فصلت ۵۳)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است! (لقمان ۱۶)

خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد. (نسا ۴۰)

^۱ . تفسیر نورالثقلین.

۶- منطق مبتنی بر مشاوره خانواده در مقابل تحریف:

آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می‌کنند، چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟! (۶۹)
همان کسانی که کتاب (آسمانی) و آنچه رسولان خود را بدان فرستاده‌ایم تکذیب کردند؛ اما بزودی (نتیجه کار خود را) می‌دانند!
(غافر ۷۰)

۷- تشویق مبتنی بر صبر در مقابل تحمیل با سفسطه:

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! (احقاف ۳۵)
(خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز می‌پرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (کهف ۷۰)
صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه‌های آنها،
در تنگنا قرار مگیر! (نحل ۱۲۷)
پس صبر کن که وعده خدا حق است؛ (غافر ۷۷)

۸- مراقبه مبتنی بر روش مناسب در مقابل آزمون و خطا:

ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش
فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (حشر ۱۸)
آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟! (علق ۱۴)
او بر بندگان خود تسلط کامل دارد؛ و مراقبانی بر شما می‌گمارد؛ تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ (در این موقع)،
فرستادگان ما جان او را می‌گیرند؛ و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان)، کوتاهی نمی‌کنند. (انعام ۶۱)

۹- خودباوری مبتنی بر اصل نبوت در مقابل خودباختگی:

ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید؛) کسانی
که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک
می‌شوند. (اعراف ۳۵)
به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تا کنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که
می‌کردند، غمگین مباش! (هود ۳۶)
از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است!» (هود ۹۰)
و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم
«مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (طه ۴۰)

۱۰- اصل علم مبتنی بر مشاوره تخصصی در مقابل حدس و گمان:

و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی‌کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد
(و به حق نمی‌رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است! (یونس ۳۶)
چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر
نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان
در پیشگاه خدا دروغگویانند! (نور ۱۳ و ۱۲)
سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و
فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!» (بقره ۳۱)
قرآن را تعلیم فرمود، (الرحمان ۲)

همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (علق ۴)
و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد! (علق ۵)
درجات هر کس را بخواهیم بالا می بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است! (یوسف ۷۶)

۱۱- تسهیل مبتنی بر صمیمیت در مقابل تهدید با سرزنش:

من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (یوسف ۵۳)
(همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند ... (رعد ۲۳)
آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (ابراهیم ۲۴)

۱۲- محاسبه مبتنی بر مثبت گرایی در مقابل منفی گرایی:

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید. (بقره ۲۱۶)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (بقره ۲۸۴)
و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود؛ سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان قومی نادانند! (توبه ۶)

گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آن گاه که جاهل بودید؟!» (یوسف ۸۹)
پس هر کس اعمال نیک انجام دهد و با ایمان باشد، سعی و کوشش او از بین نخواهد رفت و ما همه آنها را ثبت میکنیم. (انبیاء ۹۴)

۱۳- خدا باوری مبتنی بر اصل امامت در مقابل خدا گریزی:

و به آنچه بر تو و قبل از تو نازل شده است، باور داشته و به آخرت یقین دارند. (بقره ۴)
آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد! (رعد ۲۸)

آن کسان که چون نام خدا برده شود دلهایشان بلرزد و آنان که بر مصیبتشان شکیبایند و بر پا دارندگان نماز که از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. (حج ۳۵)

کسانی که به یاد خدا و پیامبرانش ایمان [واقعی] آوردند، نزد پروردگارشان مقام صدیقین و گواهان را دارند؛ پاداش و نورشان محفوظ است، و کسانی که انکار ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، دوزخی اند. (حدید ۱۹)

۱۴- اصل عقل مبتنی بر مشاوره عقلا در مقابل جهالت و گمراهی:

و اگر [مشکل زوج حل نشد و] از ناسازگاری میان آنها ترس داشتید، [باز هم برای پرهیز از متارکه] داوری از خانواده مرد و داوری از خانواده زن انتخاب کنید؛ اگر داوران [حسن نیت و] قصد اصلاح داشته باشند، خدا آنها را به توافق خواهد رساند، که خدا دانایی است آگاه. (نساء ۳۵)

۱۵- نایب مبتنی بر صراحت در مقابل تأکید با سر درگمی:

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. (اعراف ۲۰۱)

و هرگز در مورد کاری نگوی: «من فردا آن را انجام می‌دهم» ... (۲۳)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هر گاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (کهف ۲۴)

و بهر مرد و زن مؤمن نکوکار زندگی خوش عنایت میکنیم و بهتر از آنچه میکنند میبرند. (نحل ۹۷)

۱۶- معاتبه مبتنی بر اعتماد به نفس در مقابل هوای نفس:

و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! (بقره ۲۳۳)

و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می‌گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (بقره ۲۸۱)

ای نفس مطمئن (۲۷) بازگرد بسوی پروردگارت خوشنود پسندیده (۲۸) پس داخل شو در بندگانم (۲۹) و داخل شود در بهشتم (فجر ۳۰)

۱۷- خودسازی مبتنی بر اصل معاد در مقابل خودنمایی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (حشر ۱۸)

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! (زمر ۵۴)

۱۸- اصل قانون مبتنی بر مشاوره حقوقی در مقابل اختلاف:

بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است... (اعراف ۲۹)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! (نحل ۹۰)

۱۹- تمرین و تکرار مبتنی بر صلابت در مقابل تحقیر با سستی:

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (فصلت ۳۰)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (احقاف ۱۳)

۲۰- مرابطه مبتنی بر نگرش الهی در مقابل نگرش مادی:

هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند! (۳۰) و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولی و یآوری برای شما نیست. (۳۱)

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است. (شوری ۳۶)